نقش نفوذی‌ها در نهضت حسینی

علی شعبانی

از آغاز حرکت سیدالشهدا علیه‌السلام از مدینه به مکه و از مکه به کربلا، امام همواره با توجه به‌احتمال وجود نفوذی‌ها، اقداماتی را برای پنهان نمودن فعالیت‌هایشان انجام دادند.

با توجه به اینکه والی مدینه از طرف یزید چند بار برای بیعت امام حسین (ع) با یزید به ایشان مراجعه نموده بود، حضرت با به تعویق انداختن موضوع، نیمه‌شب را برای عزیمت به مکه انتخاب کردند و حتی به نزدیکان نیز اطلاع نداده بودند و حتی شیخ مفید می‌نویسد که در گفت‌وگوی محمد حنفیه (برادر حضرت) با سیدالشهدا از مقصد ایشان اطلاعی نداشت.

بعد از ارسال نامه‌های بی‌شمار کوفیان به حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام، حضرت پسرعموی خود حضرت مسلم را عازم کوفه می‌کند اما به خاطر خطر نفوذی‌ها، قبل از اعزام، وی را نزد خود فراخوانده و به او بر پنهان‌کاری سفارش می‌کند (اَمَرَهُ بِالتّقوی وَ کِتمانِ اَمرِهِ) و این تأکید بیانگر آن است که حضرت نگران نفوذی‌های دستگاه یزید بوده‌اند.

با استقرار مسلم در کوفه، ایشان ابتدا در منزل یکی از شیعیان (احتمالاً منزل مختار) مخفیانه مستقر شد تا از دید نفوذی‌ها و مأموران حاکمان کوفه پنهان باشد و در همین خانه گروه گروه شیعیان برای بیعت با او حاضر می‌شدند. نفوذی‌ها خبر را به نعمان رساندند و او در مسجد کوفه مردم را از بیعت با مسلم و عواقب آن برحذر داشت.

با تغییر حاکم کوفه توسط یزید و استقرار عبیدالله بن‌زیاد، از مردم خواست تا در مورد مخالفین یزید و محل استقرار آنها گزارش بدهند.

مسلم با اطلاع از اوضاع جدید و اینکه محل استقرارش توسط نفوذی‌ها لو رفته است، مکان خود را تغییر داد و در خانه هانی بن‌عروه مستقر شد.

عبیدالله نیز برای دسترسی به اقدامات مسلم و شیعیان وفادار به اهل‌بیت علیهم‌السلام، یکی از غلامان خود به نام معقل را مأموریت داد تا با همراه بردن سه هزار درهم نزد شیعیان رفته و تحت عنوان کمک مالی به نهضت امام حسین علیه‌السلام از محل اختفای مسلم و فعالیت شیعیان آگاهی یابد.

سرانجام معقل موفق شد به تشکیلات مخفی حضرت مسلم نفوذ کند و کمک مالی خود را به ابوثمامه (مسئول امور مالی تشکیلات مسلم) داد و به این ترتیب اعتماد حضرت مسلم و اطرافیان را به خود جلب کرد به‌طوری‌که اولین نفر که هرروز خدمت مسلم می‌رسید و آخرین کسی که بیرون می‌رفت، همین عامل نفوذی ابن‌زیاد بود و کلیه اطلاعات و اقدامات را به عبیدالله گزارش می‌کرد.

ابن زیاد با تکمیل اطلاعاتش در این رابطه، در جلسه‌ای که اشراف و بزرگان کوفه حضور داشتند در مورد عدم حضور هانی سؤال کرد و حضار گفتند که او بیمار است اما عبیدالله با توجه به گزارش‌هایی که از عامل نفوذی خود داشت گفت که هانی بیمار نیست و دستور داد تا مأموران هانی را نزد او بیاورند.

ابن‌زیاد به محض ورود هانی او را موردانتقاد قرار داد و از فعالیت وی به نفع مسلم پرده برداشت و به هانی گفت: ای هانی دست بردار، این چه‌کارهایی است که در خانه‌ات علیه یزید و مسلمانان انجام می‌دهی؟ مسلم را به خانه خود برده‌ای و سلاح جنگی و نیرو در خانه‌های اطراف خود فراهم می‌کنی و گمان می‌کنی این کارها بر من پوشیده می‌ماند؟

هانی که از اطلاعات دقیق ابن زیاد متعجب شده بود به انکار آن پرداخت و گفت: من این کار را نکرده‌ام و مسلم نزد من نیست و این انکار و مجادله زیاد بین آن دو موجب شد تا ابن‌زیاد معقل را که نفوذی در خانه هانی بود به جلسه فراخواند و هانی همین‌که معقل را دید به راز اطلاع ابن‌زیاد از مسائل پی برد.

ابن زیاد گفت: آیا این مرد را می‌شناسی و لذا هانی سکوت کرد و پس دقایقی گفت: من مسلم را به خانه‌ام دعوت نکردم و وقتی به خانه‌ام آمد، شرم کردم که او را که میهمان بود، راه ندهم. ابن زیاد از هانی خواست تا مسلم را تحویل دهد اما او نپذیرفت و نهایتاً هانی به طرز بی‌رحمانه‌ای به شهادت رسید.

ابن‌زیاد که متوجه شد گروه‌های زیادی از مردم به حمایت از مسلم سازماندهی شده و در مسجد و اطراف قصر تجمع کرده‌اند باز از برخی سران قبائل به میان مردم نفوذ داد و آنها را از همراهی مسلم ترساند و تهدید کردند و حتی خبری منتشر کردند که سپاه یزید در راه است و همه شما را خواهند کشت و... کار به‌گونه‌ای شد که بعد از نماز مغرب تنها سی نفر برای مسلم باقی ماندند و وقتی به درب مسجد رسید ده تن بیشتر نمانده بودند و از مسجد که بیرون آمد، تنهای تنها ماند و شیخ مفید می‌نویسد که حتی یک نفر نبود تا او را راهنمایی کند.

و بدین ترتیب فرستاده ویژه امام حسین علیه‌السلام با اقدامات نفوذی‌ها اعم از ارائه اطلاعات به ابن زیاد و شایعه‌پراکنی در بین مردم و تهدید و ارعاب موفق شدند مقدمات حضور امام در کوفه را از بین ببرند و حتی به جنگ با حضرت در کربلا روی آورند...

مسئله نفوذ در دوران انقلاب اسلامی نیز همواره در ابعاد مختلف وجود داشته است.

از بنی‌صدر که اسناد جاسوسی وی در لانه جاسوسی کشف شد تا امیر انتظام از دولت بازرگان که در دادگاه انقلاب به جرم جاسوسی محکوم شد تا نفوذی‌های هیئت مذاکره‌کننده در دولت قبل. نفوذی‌های عرصه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را هم باید جدی گرفت. نفوذ مسئله‌ای جدی است که رهبر معظم انقلاب خصوصاً از سال ۹۲ به بعد در مورد آن بارها و بارها هشدار دادند؛

«نفوذ مسئله مهمّی است بنده هم که این را عرض می‌کنم نه به خاطر این است که حالا یک احتمالی به ذهنم می‌آید که ممکن است نفوذ کنند؛ نه، ما از خیلی چیزها مطّلعیم؛ از خیلی حوادثی که دارد در کشور رخ می‌دهد که غالباً عموم مردم یا حتّی خیلی از خواص مطّلع نمی‌شوند ما مطّلع می‌شویم. من از روی اطّلاع دارم عرض می‌کنم که برنامه نفوذ در کشور یک برنامه جدّی استکبار است» ۹۴/۱۲/۲۰

«نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌ودستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره آرایش‌شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این‌جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری می‌کند که شما حرکت را این‌جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه دستگاه‌ها سابقه هم دارد» ۹۴/۹/۴

هدف اصلاح‌طلبان از حمله به گشت ارشاد چیست؟

مهدی امامقلی

چند وقت پیش ویدئویی در فضای مجازی منتشر شد که در آن نشان می‌داد مأموران گشت ارشاد در اقدامی خارج از ضوابط، دختری را سوار ون کرده‌اند و مادرش درحالی‌که فریاد می‌زد «دخترم را نبرید، دخترم مریضه»، به دنبال خودروی ون می‌دوید. بعد از آن هم انتشار یکی دو ویدئوی دیگر از نحوه رفتار اشتباه مأموران نیروی انتظامی در واحدهای پلیس امنیت اخلاقی، واکنش‌هایی را در فضای مجازی به دنبال داشت.

گرچه نیروی انتظامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «موضوع به‌سرعت رسیدگی و با سرتیم این واحد انتظامی به دلیل سوءمدیریت برخورد انضباطی شد» اما برخی رسانه‌ها و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب طی ۱۰ روز گذشته با برجسته‌سازی، سیاه‌نمایی و القای گزاره‌های مخدوش سعی کردند از این موضوع بهره‌برداری سیاسی کرده و اصل برخورد قانونی با بی‌حجابی را تخطئه کنند یا برخی هم در گوشه و کنار، خطای چند تن از مأموران نیروی انتظامی را به کلیت این نیرو و حتی نظام تعمیم دهند.

در این خصوص ذکر چند نکته خالی از لطف نیست؛

۱. علی‌رغم تلاش رسانه‌ای برخی اصلاح‌طلبان رادیکال و همچنین فعالیت‌های تبلیغی جریان ضدانقلاب، موضوع اقدامات خارج از ضوابط راننده گشت ارشاد یا یکی دو مأمور نیروی انتظامی نتوانست به مسئله و دغدغه اصلی در افکار عمومی تبدیل شود چه آنکه تحلیل و بررسی‌های جامعه‌شناختی و سیاسی نشان می‌دهد ملت ایران به قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه و اساساً مدل حکمرانی در کشور خود اعتماد و اطمینان دارند.

علاوه‌بر این، جامعه ایران، یک جامعه مذهبی است (حضور در تجمعات دینی و مذهبی در ایام ماه محرم و رمضان، پیاده‌روی اربعین، مساجد و هیئت‌های مذهبی و نماز جمعه و...تا همین جشن اخیر غدیر در تهران) و فراز و نشیب‌های سیاسی حداقل طی دو دهه گذشته (از کوی دانشگاه تا فتنه‌های ۸۸ و ۹۸) جامعه را به این سطح از آگاهی رسانده که به‌راحتی اهداف و مقاصد طیف‌های سیاسی را از هم بازبشناسد و مسائل را به‌دوراز جنجال و هیاهو بررسی کند.

چند وقت پیش یکی از فعالان رسانه‌ای اصلاح‌طلب برای آنکه برخورد خارج از ضوابط یکی از گشت‌های پلیس با یکی از شهروندان را برجسته و از آن، یک ژانر سیاسی بسازد در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشت که «دخترم مریضه». اشاره او به ویدئویی بود که ذکر آن در فوق آمد اما نکته جالب این بود که بسیاری از کاربران همیشه درصحنه، در صدها کامنت زیر این توئیت با عباراتی نظیر «خدا شفایش دهد»، «دعا می‌کنیم»، «ان‌شاءالله که خوب میشه»، «خدا بزرگه» و... با او اظهار همدردی و برای دخترش آرزوی شفا و بهبودی می‌کردند. تعداد کامنت‌ها به حدی زیاد بود که برخی فعالان رسانه‌ای با کنایه‌هایی نظیر اینکه «یک فکری به حال فالوئرهات بکن» و... تأکید کردند که منظور نویسنده، ماجرای ویدئوی ون ارشاد بوده است.

گرچه روزنامه‌های اصلاح‌طلب هم سعی کردند به برجسته‌سازی ماجرا پرداخته و از رهگذر وارونه‌نمایی و شگردهای روانی، موضوع برخورد با بی‌حجابی را زیر سؤال ببرند اما به دلیل ناکارآمدی القائات در ایجاد چسبندگی در افکار عمومی، بازی‌های سیاسی آنها رنگ باخت.

۲. بااین‌همه سؤالی که مطرح می‌شود این است که هدف اصلاح‌طلبان از هجمه گسترده به موضوع گشت ارشاد و اعتبارزدایی از قانون حجاب و عفاف چیست؟ رسانه‌های منتسب به این طیف سیاسی طی ۱۰ روز گذشته سعی کردند مسئله گشت ارشاد را به‌اصطلاح روی آنتن زنده نگه داشته و به بهانه موضوعاتی مانند آزادی، کلیت نظام تصمیم‌گیری در حوزه‌های فرهنگی را زیر سؤال ببرند. آنها که داعیه قانون‌مداری و قانون‌گرایی دارند از اینکه علیه منافع ملی و نظم عمومی (که ابتنای بسیاری از قانون‌گذاری‌ها و جرم انگاری آن بر آن است) قلم برانند و اظهارنظر کنند و حتی با ضدانقلاب و بدخواهان نظام و ملت ایران همنوا بشوند هیچ ابایی ندارند.

در این خصوص بایستی اشاره شود که؛

- اصلاح‌طلبان که در انتخابات‌های گذشته (ریاست جمهوری سیزدهم، مجلس یازدهم و شورای شهر ششم) جزو بازندگان سیاسی بوده‌اند این روزها با مشکلاتی مانند بحران هویت، اختلافات داخلی و نداشتن پایگاه اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند و لاجرم برای آنکه بخش‌هایی از آنها را بازیابند مانند پرندگان گردن چرخان مترصد فرصت‌هایی برای صورت‌بندی اعتراض و مخالفت با وضع موجود هستند. به گمان اصلاح‌طلبان، تمرکز بر مسئله گشت ارشاد و طرح انتقادات گسترده به حاکمیت، بخش‌هایی از ظرفیت‌های رادیکال اصلاح‌طلبان را فعال و آنها را دوباره زیر چتر اصلاحات ساماندهی می‌کند.

- یکی دیگر از اهداف اصلاح‌طلبان، تضعیف ادراک عمومی مثبت نسبت به رئیسی، انحراف افکار عمومی و اساساً به حاشیه بردن عملکرد مثبت دولت سیزدهم طی یک سال گذشته است. بالاخره دولتی روی کار آمد که کشور را معطل برجام نکرد و در سیاست خارجی توانست مواضع غرب علیه ایران را تعدیل و اقدامات تهاجمی آنها را مهار کند؛ از سویی این دولت توانست با تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی، ایران را در کنار قدرت‌هایی مانند چین و روسیه قرار داده و حجم مناسبات و مبادلات تجاری را چندبرابر افزایش دهد.

همچنین، دولت رئیسی بدون برجام، اصلاحات اقتصادی (مردمی کردن یارانه‌ها) را آغاز و تورم‌های چندصددرصدی و بحران‌های پیش‌آمده در تأمین کالاهای اساسی را مدیریت کرد.

رئیس‌دولت سیزدهم که مانند روحانی، مدیر پشت‌میزنشین نبود با انرژی فوق‌العاده و حضور در میان مردم، ۳۰ سفر استانی را در کارنامه یک‌ساله خود ثبت کرد. رئیسی مانند روحانی، واکسیناسیون عمومی و مقابله با کرونا را به برجام و FATF گره نزد و مانند رئیس‌دولت تدبیر و امید با منتقدان برخورد نکرد!

تفاوت‌های رئیسی و روحانی به حدی ملموس و معنادار است که اگر بخواهد کار به همین منوال پیش رود دیگر چیزی از هویت اصلاح‌طلبی و آبروی کسانی که ۸ سال تمام از حسن روحانی حمایت کردند، باقی نمی‌ماند. این‌جاست که مدعیان اصلاحات با مانع‌تراشی، حاشیه‌سازی و جابجا کردن مسائل اصلی و فرعی سعی می‌کنند عملکردهای مثبت دولت به حاشیه رفته تا آنها بتوانند با آسمان‌وریسمان به هم بافتن القا کنند که رئیسی می‌خواهد در پیاده‌روها دیوار بکشد!

- اصلاح‌طلبان علاوه‌بر «فعال کردن ظرفیت‌های رادیکال برای بازسازی هویت ازدست‌رفته» و «به حاشیه بردن کارنامه مثبت رئیسی» اهداف دیگری را هم دنبال می‌کنند؛ «سرگرم کردن دولت به حواشی» و «ارسال پالس ضعف به طرف‌های خارجی».

شاید مشغول شدن بخش‌هایی از ظرفیت‌های اجرایی کشور به اقدامات پینگ‌پنگی و بازی در پازل حاشیه‌سازی طیف‌های سیاسی خیلی هم هزینه‌ساز نباشد اما بی‌شک فعال شدن شکاف‌های اجتماعی، دوقطبی‌ها و جابه‌جایی مسائل فرعی و اصلی برای امنیت اجتماعی و منافع ملی کشور هزینه‌ساز است. یادمان نرود که اغتشاشات ۸۸ باعث تغییر رفتار آمریکایی‌ها در قبال ایران و صدور قطعنامه‌های تحریمی و علی‌الخصوص قطعنامه ۱۹۲۹ علیه کشورمان شد. (قطعنامه‌ای که کشورمان را زیر فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد و بند ۴۱ آن قرار داد و باعث اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران و سرآغاز تحریم‌های شدیدتر بعدی شد.)

۳. نکته نهایی آنکه آیا اصلاح‌طلبان برای حقوق زنان اهمیتی قائل هستند؟ برای پاسخ به این سؤال کافی است تا مواردی مانند «وعده‌های محقق نشده دولت روحانی در مورد زنان» (از تشکیل وزارت زنان، بیمه زنان سرپرست خانوار، حضور وزیر زن در کابینه و...) یا طرح و ایده اصلاح‌طلبان در حوزه حقوق زنان «به رسمیت شناختن زنان روسپی در ایران»، «عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب»، «ارائه اطلاعات زنان مطلقه ایرانی برای کارآفرینی در آنتالیا» و یا به اقدامات آنها و مواردی مانند «ماجرای قتل میترا استاد و شایعه‌پرستو بودن مقتول» و... در ترازوی نقد و بررسی قرار گیرد تا اثبات شود که مدعیان اصلاحات چگونه از حقوق زنان، بهره‌برداری سیاسی و جناحی کرده‌اند. زهرا شجاعی، رئیس‌امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری در دولت اصلاحات، سال ۹۸ در مصاحبه‌ای به انتقاد از عملکرد اصلاح‌طلبان در حوزه زنان پرداخته و گفته بود «اصلاح‌طلبان موقع انتخابات از زنان استفاده می‌کنند و بعد کاری برایشان نمی‌کنند.» در همین راستا، فرزانه ترکان، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران در مطلبی با اشاره به اینکه «زنان را برای انتخابات و سیاهی‌لشکر نخواهیم» نوشته بود: «هر انتخاباتی که انجام شده، اعم از انتخابات شورای شهری و ریاست جمهوری و مجلس، همه و همه در اولویت خود توجه به حقوق و مطالبات زنان را بیان کرده‌اما در اکثر مواقع در حد شعار باقی‌مانده و حتی برخی موارد اصطلاحی که به کار می‌برند که زنان ابزاری برای کسب هویت اجتماعی نگاه شده‌اند اما بعد از رأی‌آوری مطالبات را فراموش کرده و اولویت‌های دیگری را قرار داده‌اند و همین رویه غلط زمینه ایجاد دلسردی و ناامیدی را به وجود آورده است.»

محرم
ماه عزت و انسانیت

این روزها صدای پای محرم به گوش می‌رسد. صدای پای کاروان آل‌الله! کوچه‌ها و خیابان‌ها رنگ و بوی عزاداری به خود گرفته و هنگام هجرت کاروان خورشید است. گویی رستاخیز است، به راستی که چه خوش گفت محتشم کاشانی، این شاعر بلندآوازه درباره این ماه که: باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین / بی‌نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

آری زمان، زمان پرداختن به این قیام عظیم است که در صفحه سرخ تاریخ، زیباترین نقش ماندگار را خلق کرده‌اند. اما ماه پیروزی خون بر شمشیر، چه ویژگی‌هایی را در خود نهفته است و چه اثری در فرهنگ و خلق و خوی محبین اهل‌بیت دارد که این روزها در کنار برپایی مراسم‌های عزاداری، شاهد افزایش گرایش مردم به نذرهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در راستای حل مشکلات جامعه هستیم. افرادی که شاید خود توانایی مالی نداشته باشند، اما شرکت در این امر را از هر نوع که باشد بر خود فریضه می‌دانند.

یاوران امام حسین(ع) آموزگاران بزرگ ایستادگی در برابر ظلم لقب گرفتند و سبب شدند تا همگان در برابر قیام به حقشان، سر تعظیم فرود بیاورند. آنها به مردم یاد دادند که هیچ‌وقت دست از آزادگی نکشند و یاری به آنکه مظلوم است را، سرلوحه کار خویش قرار دهند. فداکاری و شجاعت امام(ع) و یارانش، آن چنان پر اهمیت بود که اینک پس از گذشت ده‌ها سال، از رخداد عاشورا، هنوز شیعیان در غم مظلومیت امام و پیشوای خود می‌گریند و به خون‌خواهی او به دست منجی امیدوارند و هر روز درسی عظیم از این واقعه در مکتب حسینی می‌آموزند.

اما، پیام امر به معروف و نهی از منکر امام حسین(ع)، در این روزگار مدرن باید حضوری آشکار داشته باشد. نهضت حسینی(ع) در مقام عالی‌ترین عامل احیای اسلام راستین و کوبنده تحریف، همواره مورد بغض دشمنان بوده است. تحقق این رسالت عاشورایی، بر عهده همگان است، به خصوص آنها که در این حوزه دستی بر آتش دارند و با این مقوله بیش از دیگران آشنا هستند. محرم، فرصت بی‌نظیری برای تربیت جوانان است که در اختیار مبلغان و مداحان قرار داده شده است. نهضت حسینی(ع)، برای انسان‌ها در جهان، سراسر مشق است. او آموزگار عزت، میدان دارِ مبارزه با فساد و احیاگر روح شهادت‌طلبی و زداینده غبار تحریف و بدعت از چهره دین است. امام حسین(ع) در میدان مبارزه با طاغوت و نفی انحراف و دین سازی‌هایِ باطل، جان عزیز خویش را به مسلخ اعتقاد برد و اکنون نوبت ماست که در این راه ازجان و اعتبار و آبروی خویش مایه بگذاریم.

رفتار امام حسین(ع) نشان دهنده این است که نباید در جوامع اسلامی نسبت به انحراف در دین بی‌تفاوت بود و باید در راستای حفظ دین، کشور و مقدسات حتی از جان گذشت. ارتباط شیعیان به ویژه نسل جوان با حماسه قیام عاشورا باید فراگیر و عاقلانه باشد. این قیام خونین تا به امروز، الگویی برای نسل جوان، جهت جلوگیری از انحراف و تحریف دین است و در عین حال نیز رابطه شیعیان به ویژه نسل جوان با حماسه قیام عاشورا باید حسی و عاطفی باشد تا همه مردم براساس ظرفیت و استعدادهای درونی خود از این سرچشمه معرفت و فضیلت بهره‌مند شوند.

در طول سال‌ها تبلیغات ضد دین بین جوامع مختلف صورت گرفته و در این برهه از زمان نیز مانند ادوار گذشته این سیاه‌نمایی‌ها انجام می‌گیرد، در حالی که نور خدا خاموش نمی‌شود. گرچه نمی‌توان از آن غافل هم بود. هجوم تبلیغاتی دشمن علیه مساجد، حسینیه‌ها و اجتماعات دینی از نشانه‌های ضعف آنان در برابر دین اسلام و واقعه نهضت حسینی(ع) است که باید با هنجارشکنان برخورد شود. باید تلاش شود که مداحان و سخنرانان انقلابی در عرصه باشند و به بزرگ‌ترین وظایف خود یعنی حمایت و هدایت بپردازند و در کنار مردم انقلابی قرار بگیرند. نظارت در هیئت‌های مذهبی و حضور روحانیت در مجالس روضه مانع انحرافات عزاداری‌ها می‌شود و جلوی ترویج خرافات را خواهد گرفت. مبلغان ماه محرم باید در منابر خود به نیازهای جامعه توجه کنند و مطالب و منابر خود را بر اساس مسائل روز و نیازهای جامعه ارائه دهند و با استفاده از منابع معتبر و پرمحتوا مردم به خصوص جوانان را به مکتب اهل بیت(ع) جذب کنند. محرم و نهضت عاشورا نمایش اقتدار دین اسلام محسوب می‌شود. در هیچ دوره‌ای از تاریخ نهضت حسینی به گستردگی تاریخ معاصر بشر نبوده است. انقلاب اسلامی پرتویی از نهضت امام حسین(ع) به شمار می‌رود زیرا انقلاب نشان داد که دین می‌تواند جامعه را اداره کند و مایه عزت دین‌داران دنیای معاصر شده است.

منبع: بصیرت

نگاه رهبر معظم انقلاب به ابعاد روشنگری امام حسین(ع) در نهضت عاشورا

از تبیین تا قیام

یکی از موضوعاتی که درباره قیام اباعبدالله الحسین علیه‌السلام مطرح است توأم بودن نهضت حسینی با موضوع تبیین است: «امام حسین را فقط به جنگِ روز عاشورا نباید شناخت؛ آن یک بخش از جهاد امام حسین است. به تبیین او، امر به معروف او، نهی از منکر او، توضیح مسائل گوناگون در منی و عرفات... باید شناخت.» ۱۳۸۸/۵/۵ در این زمینه همان‌طور که پیامبر به مباهله برای بیان حقیقت پرداخت «امام حسین هم برای بیان حقیقت، روشنگری در طول تاریخ، عزیزترین عزیزان خود را برمی‌دارد می‌آورد وسط میدان.» ۱۳۸۸/۹/۲۲

تسلیم طاغوت نشدن، نقطه آغاز نهضت حسینی

یکی از سؤالات اساسی درباره قیام امام حسین، هدف این قیام و نهضت است. حضرت در وصیت به برادرش محمدبن‌حنفیه می‌فرمایند این قیام «نه برای این است که حتماً باید به حکومت برسیم، نه برای این است که حتماً باید برویم شهید شویم.» ۱۳۷۴/۳/۱۹ حقیقت این است که بعد از مرگ معاویه، یزید به حکومت رسید و «توقّع داشت که این امام هدایت پای حکومت او را امضاء کند.» ۱۳۸۱/۱/۹ و این موضوع به معنای مشروعیت‌بخشی به نظام سلطنت بود لذا «قیام امام حسین از این‌جا شروع شد.» ۱۳۸۱/۱/۹ در واقع هدفِ قیام عاشورا مبارزه با این انحراف در جامعه اسلامی بود: «تسلیم نشدن در مقابل حاکمیت فاسدی که راه دین را به کلّی منحرف می‌کرد. امام از مدینه که حرکت فرمود با این نیّت بود.» ۱۳۷۵/۳/۱۴ و در این راستا «امام حسین فرمود «مثلی لا یبایع مثله»؛ حسین چنین امضایی نمی‌کند.» ۱۳۸۱/۱/۹

جلوه‌های تبیین در قیام عاشورا

یکی از اصول مهم در روش مبارزاتی حضرت اباعبدالله الحسین، تبیین و روشنگری برای مردم و همچنین خواص جامعه بود، از این رو، آن حضرت نسبت به بیان هدف و تشریح انگیزه قیام خویش اقدام فرمودند. ایشان در جایی این‌گونه فرمودند: ««و انی لم اخرج اشرا ولا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً»؛ یعنی کسانی اشتباه نکنند و تبلیغاتچی‌ها تبلیغ کنند که امام حسین هم مثل کسانی که این گوشه و آن گوشه، خروج می‌کنند برای این که قدرت را به چنگ بگیرند- برای خودنمایی، برای عیش و ظلم و فساد- وارد میدان مبارزه و جنگ می‌شود! کار ما از این قبیل نیست.» ۱۳۷۴/۳/۱۹ کار امام «مثل بقیّه افرادی که قیام می‌کنند، خروج می‌کنند، می‌زنند، می‌کُشند برای اینکه قدرت را قبضه کنند نیست.» ۱۳۸۰/۱۲/۲۱ علت اصلی قیام این است: «و انّما خرجت لطلب‌الاصلاح فی امّة جدّی». عنوان این کار، همین اصلاح است... این اصلاح، از طریق خروج است، خروج، یعنی قیام... اوّلاً می‌خواهیم قیام کنیم و این قیام ما هم برای اصلاح است.» ۱۳۷۴/۳/۱۹ و در فرجام قیام «دو عاقبت هم ممکن است برایش پیش بیاید: یکی اینکه پیروز بشود، یکی هم اینکه کُشته بشود.» ۱۳۸۰/۱۲/۲۱ نوشتن نامه به اهالی شهرها، یکی دیگر از اقدامات روشنگرانه و تبیینی امام حسین بود. اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در نامه به اهل کوفه این‌گونه نگاشتند: «امام و پیشوا و رئیس‌جامعه اسلامی نمی‌تواند کسی باشد که اهل فسق و فجور و خیانت و فساد و دوری از خدا و اینهاست. باید کسی باشد که به کتاب خدا عمل کند. یعنی در جامعه عمل کند؛ نه این که خودش در اتاق خلوت فقط نماز بخواند؛ بلکه عمل به کتاب را در جامعه زنده کند، اخذ به قسط و عدل کند و حق را قانون جامعه قرار دهد.» ۱۳۷۴/۳/۱۹ تأکید بر مقابله با بدعت و احیای سنّت یکی دیگر از وجوه تبیینی نهضتِ امام حسین بود و ایشان در همین زمینه به رؤسای بصره نوشتند: «من می‌خواهم بدعت

را از بین ببرم و سنّت را احیا کنم؛ زیرا سنت را میرانده‌اند و بدعت را زنده کرده‌اند! اگر دنبال من آمدید، راه راست با من است.» ۱۳۷۴/۳/۱۹ اهمیت موضوع روشنگری و تبیین حقایق برای افکار عمومی و عوام و خواص جامعه در نگاه ابی عبدالله تا آنجا بود که از آغازِ نهضت عاشورا تا آخرین لحظات زندگی مبارک حضرت و حتی در خود میدانِ کربلا و صحنه درگیریِ نظامی نیز امام دائما اهتمام بر تبیین و هدایت و روشنگری داشتند: «در خود عرصه کربلا حضرت اهل تبیین بودند، میرفتند، صحبت می‌کردند. حالا میدان جنگ است، منتظرند خون هم را بریزند، اما از هر فرصتی این بزرگوار استفاده می‌کردند که بروند با آنها صحبت بکنند، بلکه بتوانند آنها را بیدار کنند.» ۱۳۸۸/۵/۵

هیئت عاشورایی، تبیین حسینی

نهضت عاشورا حرکتی برآمده از عقلانیت است: «عنصر منطق و عقل در این حرکت، در بیانات آن بزرگوار متجلی است؛ قبل از شروع این حرکت، از هنگام حضور در مدینه تا روز شهادت.» ۱۳۸۴/۱۱/۵ لذا قیام سیدالشهداء دارای ابعاد مختلفی است که از تبیین تا قیام را دربرمی‌گیرد: «از تبیین و انذار، از تحرک تبلیغاتی، از بیدار کردن و حساس کردن وجدانهای عناصر خاص در خطبه منا، اینها همه در طول زندگی سیدالشهداء است. بعد هم ایستادگی در مقابل یک انحراف بزرگ با قصد مجاهدت با جان.» ۱۳۹۰/۴/۱۳ نکته مهم اینکه درس و الگوگیری از تمامی ابعاد و جوانب حرکت امام حسین وظیفه همیشگی ماست: «مسئله کربلا... برای کسانی که می‌خواهند امام حسین را الگو قرار دهند، درس است.» ۱۳۷۵/۹/۲۴ یکی از این درس‌ها، توجه به موضوع تبیین است: «خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود.

در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملّت ایران سرازیر است... حرکت تبیین خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است.» ۱۴۰۰/۷/۵ باید توجه داشت که اساساً انقلاب اسلامی حرکتی الگو گرفته از قیام حسینی بود. حضرت امام با تبیین و روشنگری توده‌های مردم را به صحنه مبارزه آورده و موفق شدند رژیم سراپا مسلح و متکی به قدرت‌های بیگانه را شکست داده و نظام اسلامی را برپا کنند. از همان ابتدای مبارزاتِ نهضت و در جریان حوادث سال ۴۲ هم «تریبون بیان مسائل نهضت، شد حسینیّه‌ها و مجالس روضه‌خوانی و هیئات سینه‌زنی و روضه روضه‌خوان‌ها و ذکر مصیبت گویندگان مذهبی» ۱۳۶۸/۵/۱۱ لذا این ظرفیت همچنان باید در جهت تبیین حقایق در عرصه جنگ روایت‌ها و تصویرسازیِ غلط دشمنان از وضعیت کشور فعال باشد: «هیئت محلّ تبیین است، محلّ بیان است، محلّ بیان مهم‌ترین مفاهیم معارف اسلامی و معارف علوی است، محلّ پاسخ به سؤالها است. امروز جوانهای ما سؤالهای گوناگونی دارند؛ درباره سبک زندگی سؤال دارند، درباره مسائل اصولی سؤال دارند، سؤال [هم] به‌جا است.» ۱۴۰۰/۱۱/۳ باید دانست که «بی‌شک تبیین و تفسیر دین با دیدگاه مخصوص اهل بیت وحی، و رفع تحریف‌ها و کج‌فهمی‌ها از معارف اسلامی و احکام دینی نیز هدف مهمی برای جهاد اهل بیت بحساب می‌آمد.» ۱۳۶۳/۵/۱۸ لذا باید سعی کرد در عزاداری‌ها به تکلیفِ مهم و اساسی روشنگری و آگاه‌سازی مردم و مقابله با دروغ‌ها و تحریفات دشمن توجه ویژه شود: «جهت‌گیری در عزاداری امام حسین به این نحو باید باشد: گسترش تبیین، بیان، آگاه‌سازی، محکم کردن ایمان مردم، روح تدین را در مردم گسترشِ دادن، روح شجاعت و غیرت دینی را در مردم زیاد کردن، حالت بی‌تفاوتی و سکر و بی‌حالی را از مردم گرفتن؛ اینهاست معنای قیام حسینی و بزرگداشت عزاداری امام‌حسین در زمان ما.» ۱۳۸۶/۱۰/۱۹